

## دادرسی نظامی

۱ - داد رسی نظامی عبارت است از اجرای کلیه قواعد و مقررات مربوط به تعقیب و مجازات مجرمینی که رسیدگی بجرائم آنها در صلاحیت دادگاه نظامی است این قواعد و مقررات مرکب از سه قسمت ذیل میباشد :

الف - قواعد مربوط بسازمان دستگاه قضائی نظامی یعنی تعیین مقاماتیکه بایستی جرائم نظامی را تعقیب و رسیدگی نمایند .  
ب - طریقه که از طرف مقامات مذکور در بالا برای کشف جرم و تعقیب مجرم و مجازات او بایستی اتخاذ شود .

ج - اعمالیکه ارتکاب آنها یا خودداری از انجام آنها جرم نظامی محسوب شده و یا هر کس مرتکب آن اعمال شود قابل تعقیب در دادگاههای نظامی بوده و مجازاتهاییکه بایستی در باره مرتکبین اعمال مزبور برقرار شود .

نظر باینکه حقوق جزای عمومی نیز عبارت از مجموع قواعد مربوطه بطرز اعمال مجازات از طرف دولت میباشد و مرکب از سه قسمت ذیل :

الف - تعیین مقامات و دادگاههای کیفری  
ب - اصول محاکمات کیفری  
ج - تعیین مجازاتها

بوده ، از اینرو دادرسی نظامی و حقوق جزای عمومی هر دو در مسائل و موضوعهای مشابه بحث مینمایند - در حقوق جزای عمومی از اجرای مجازات توسط دستگاههای قضائی دادگستری بحث میشود و در دادرسی نظامی از اجرای مجازات توسط دستگاههای قضائی نظامی گفتگو میشود .

بدینجهت دادرسی نظامی را میتوان حقوق جزای نظامی نیز نامید .  
قواعد یکه حقوق جزای عمومی از آنها بحث مینماید بهمان علتی که در بالا گفته شد در ضمن سه دسته قوانین ذیل تدوین شده اند :

۱ - قانون تشکیلات محاکم عمومی داد گستری و قوانین ملحقه بآن

۲ - قانون اصول محاکمات جزای عمومی و قوانین ملحقه بآن

۳ - قانون مجازات عمومی و قوانین ملحقه بآن .

ولی قواعدیکه حقوق جزای اختصاصی نظامی از آنها بحث مینماید بعلت اختصار و ساده بودن آنها مجموعاً در یک قانون بنام قانون دادرسی و کیفر ارتش و ملحقات آن ( که شامل تشکیلات داد گاههای نظامی و اصول محاکمات جزائی نظامی و کیفرهای نظامی است ) تدوین شده اند .

پس در دادرسی نظامی یا حقوق جزای نظامی بحث از قواعد و مقررات مدونه در قانون دادرسی و کیفر ارتش و ملحقات آن میشود

۲ - عامت بر قراری داد رسی اختصاص نظامی برای نظامیان .

چون نظامیان با سایر افراد کشور یکسان بوده و نبایستی بین آنها و سایر اشخاص از هیچ حیث تفاوتی موجود باشد از اینرو ممکن است ایراد شود که بوجه علت جرائم آنها مانند سایر افراد مردم در داد گاههای عمومی و بوسیله مقاماتیکه جزو قوه قضائیه محسوب میباشند رسیدگی نشده بلکه بایستی دادرسی آنها بوسیله کسانیکه از خود آنها هستند و جزو قوه مجریه محسوب میباشند بعمل آید ؟

بادقت و اطمینان نظر در کیفیت تشکیلات نظامی و وظائف اشخاصیکه تابع تشکیلات مزبور میباشند بخوبی معلوم میشود که در هر جا که دستگاهی بنام ارتش تأسیس شده و عده ای از اشخاص مسلح اجزاء آنرا تشکیل داده که دارای وظائفی مخصوص و کیفیت زندگی خاصی باشند که بکلی با سایر افراد مردم تفاوت داشته باشند این مؤسسه ناچار است برای مجازات و تنبیه آن عده ای از افراد خودش که مرتکب تخلف از مقررات میشوند او را خودش شخصاً اقدام بتعقیب آنها و رسیدگی بتخلفات و کیفر مرتکبین نماید ، ثانیاً - این تعقیب و رسیدگی و تعیین کیفر را باطریقه خاصی انجام دهد، ثالثاً - برای مجازات این تخلفات کیفرهای مخصوصی که با کیفر سایر اشخاص تفاوت داشته باشد تعیین نماید .

بعبارة اخري هر ارتش ناچار است برای مجازات جرائم نظامی :

اولاً - قضاة نظامی بگمارد .

ثانیاً - آئین دادرسی خاصی وضع نماید .

ثالثاً - کیفرهای مخصوصی تعیین نماید .

زیرا : اولاً تعیین قضاة نظامی جهت رسیدگی بجرائم نظامیان برای اینستکه آنها از مقررات نظامی بیش از هر کس آگاه بوده و از لحاظ آشنائی که بمادات زندگانی نظامیان دارند بیش از سایرین بزیادی یا کمی اهمیت جرم ارتكابی پی برده و نظر بعلاقه‌ئی که مستقیماً بحیثیت ارتش دارند بهتر میتوانند لزوم شدت یا ضعف کیفر را تشخیص داده و در مواقعیکه جرم ارتكابی فقط در نتیجه سستی و غفلت باشد اغماض بیشتری نموده و برعکس در مواقعیکه عمل مرتکب مضرات سنگینی برای ارتش داشته باشد بیشتر از قضاة کشوری سخت گیری و عدم اغماض بخرج دهند . مجازات هر جرمی برای حفظ نظم و انضباط میباشد و بدینجهت بایستی این مجازات بوسیله کسانی انجام گیرد و تعیین شود که مأمور حفظ نظم و دارای علاقه مستقیم بمر قرار ساختن آن میباشد .

برای قضاة کشوری که بازندگانی آزاد و غیر مقید مردم کشوری تماس دارند و بمقررات سخت نظامی که اطاعت و تحمل شدائد و فداکاری و صرف نظر نمودن از آزادی شخصی و از خودگذشتگی است آشنائی زیادی ندارند ، مشکل است که بتوانند به مخاطراتیکه تخلفات نظامی برای ارتش دارند کما هو حقّه پی برده و لزوم اجرای کیفرهای شدید را در مورد کسانیکه از آن مقررات تخلف میورزند احساس نمایند .

معدلك نبایستی تصور نمود نظامیان در موقع قضاوت جرائم نظامی باید حتماً فاقد کلیة احساسات رحم و شفقت و ارفاق باشند بلکه بایستی مصالح خدمتی ارتش را با احساسات و عواطف انسانی وفق داده و بین آنها راجع نمایند .

علت دیگری که ایجاب میکند بزه های نظامی رسیدگی و تعقیب شود

این است که تأسیسات نظامی بایستی حتی المقدور از مداخله مقامات غیر نظامی مصون مانده و نظامیان محتاج بتوسل و تشبث بمقامات کشوری نشوند تا در نتیجه بعلت محفوظ بودن ارتش از مداخله دیگران مأمورین ارتش در کشاکش جریان امور سیاسی کشور واقع نشوند .

ثانیاً - وضع آئین دادرسی خاص برای تعقیب بزه‌های نظامی برای این است که آئین دادرسی کیفری که در محاکم عمومی معمول است دارای تشریفات بطبیعی و طولانی بوده و فاصله بین ارتکاب جرم و اجرای مجازات زیاد میباشد و حال آنکه در ارتش بایستی برای جلوگیری فوری از اختلال و بی‌نظمی محاکمات نظامی فوری و ساده و سریع بوده و متخلفین در کمترین فاصله از تاریخ ارتکاب مجازات شوند تا بزودی از وقوع نظایر آن بتوان جلوگیری نمود .

هر چند متأسفانه در عمل این نتیجه کمتر حاصل میشود ولی بعلت ساده‌تر بودن تشریفات دادرسی در محاکم نظامی زودتر از محاکم کشوری میتوان متهم را تعقیب و بکیفر رسانید .

ثالثاً - تعیین کیفر های مخصوص برای جرائم نظامی یعنی تفاوت داشتن کیفر بزه‌ی که نظامیان مرتکب میشوند با کیفر همان بزه که مرتکب آن غیر نظامی باشد برای این است که نظامیان قوه مسلح کشور را تشکیل داده و حافظ استقلال و امنیت کشور بوده و بدینجهت تابع مقررات و انضباط شدیدی میباشدند که در نتیجه وظایف آنان مهم تر و بهمان درجه نیز تخلف و قصور آنان شدید تر و دارای نتایج وخیم تری میباشد .

بدیهی است اگر منظور از مجازات فقط اجرای عدل و داد بود بایستی حقا در تعیین کیفر برای يك بزه بین نظامی و غیر نظامی تفاوتی وجود نداشته باشد ولی چون منظور از مجازات علاوه بر اجرای عدالت رعایت مصالح هیئت جامعه نیز میباشد از اینرو ، در بعضی موارد مصالح هیئت جامعه اقتضاء مینماید که نسبت به بعضی از مرتکبین مجازات های شدید تری اعمال شود .